

پیاچ دی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

کد کنترل



163E

163

E

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

صبح جمعه
۱۳۹۶/۱۲/۴

دفترچه شماره (۱)

جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود سملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمدد) - سال ۱۳۹۷

رشته زبان و ادبیات عرب (کد ۲۱۱۰)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

عداد سوال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: ترجمه متون - صرف، نحو و مهارت‌های زبانی - علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) - تاریخ ادبیات عربی - نظم و نثر قدیم و جدید عربی	۱۰۰	۱	۱۰۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفي دارد.

حق حابد تکرر و انتشار سوالات به هر روش (الکترونیکی و...) بس از برگزاری آزمون، برای نعلیص انتهاش حقوق و حقوقی نهاده با مجوز این سازمان عجله عینی داشد و با مخالفین برای اغراق و فثار عینی نمود.

آخرین اخبار و اطلاعات آزمون دکتری در وبسایت پیاچ دی تست

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأصح و الأدق للجواب عن الترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱۲ - ۱)

۱- «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، إِنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالْفَوَادَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانُوا عَنْهُ مَسْؤُلُّا»:

(۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!

(۲) برآنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شناوی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!

(۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل همگی در مورد آن مورد سؤال می‌باشند!

(۴) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شناوی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بودا

-۲ «إِنْ أَقْعُدْ أَحَدًا مِنْكُمُ الْكِبْرَ عَنْ مَكْسِبِهِ وَلِقاءِ إِخْوَانِهِ، فَزُورُوهُ وَعَظِّمُوهُ وَاسْتَظْهِرُوا بِفَضْلِ تَجْرِيَتِهِ!»:

(۱) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیریدا

(۲) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنیدا

(۳) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربه عظیمش یاریش کنیدا

(۴) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنیدا

-۳ «إِنَّمَا يَبْيَّنُ نَقْصَانَ الْمَاءِ عَلَى مَثْلِ الَّذِي كَانَ السَّفِينَةُ لَا أَقْدَرَ عَلَى الْعِيشِ إِلَّا بِالْمَاءِ!»:

(۱) فقط کمی آب برای من واضح است که چون کشتی قادر به ادامه زندگی بیرون از آب نیستم!

(۲) کمبود آب فقط بر من که مثل کشتی هستم که نمی‌تواند در جایی جز آب زندگی کند آشکار می‌شودا

(۳) فقط کمبود آب بر من ظاهر می‌شود که گویی مثل کشتی هستم که فقط در آب می‌توانم حیات داشته باشم!

(۴) کمبود آب فقط بر چون منی که گویی من همان کشتی هستم که فقط بوسیله آب قادر به زندگی هستم، نمایان می‌شودا

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

۴- «أَلَمْ تُرَأَ أَنَّ الْمَرْءَ رَهْنٌ مُنْيَةً، صَرِيعٌ لِعَافِي الطَّيْرِ، أَوْ سُوفَ يُرْسَلُ!؟»:

(۱) مگر نیدیدی که انسان در گرو مرگ است، یا کشته می‌شود تا روزی پرنده‌گان شود یا در زمین مدفون می‌گردد!

(۲) آیا ندیده‌ای که انسان در گرو مرگ است، آن‌گونه که یا برای پرنده‌گان طالب روزی کشته می‌شود، و یا به خاک سپرده خواهد شد!

(۳) مگر نمی‌بینی که سرنوشت انسان محکوم به مرگ است و او یا به مرگ طبیعی می‌میرد و طعمه پرنده‌گان روزی طلب می‌شود، و یا در قبر گذاشته می‌شود!

(۴) آیا نیدیدی که انسان همچون گروگانی در دست مرگ است، اگر اراده کند او را برای تأمین روزی پرنده‌گان می‌کشد و یا اینکه در خاک دفنش خواهد کرد!

۵- «أَعْوَامٌ وَصَلٌ كَانَ يَنْسِي طَوْلَهَا ذَكْرُ النُّوْىِ، فَكَانَهَا أَيَّامٌ!»:

(۱) سالهای وصلی است که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش نبودند!

(۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!

(۳) بخاطر آوردن جدایی، طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتفاق افتاده است!

(۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدت طولانیش را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۶- «وَتُكْرِمُ جَارِنَا مَادَمَ فِينَا وَتُثْبِعُهُ الْكَرَامَةُ حِيثُ مَا لَهُ!»:

(۱) همسایه خودمان را مدام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!

(۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!

(۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!

(۴) آن کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رومیم!

-۷ عین الخطأ:

- ۱) إلى الله أشكو من معاشر يعيشون جهالاً و يمدون ضللاً؛ من از گروهی که با نادانی زیست می‌کنند و گمراه می‌میرند، به الله شکایت می‌کنم،
- ۲) ليس فيهم سلعةٌ أبور من الكتاب إذا ثُلِيَ حقَّ تلاوتهِ؛ نزد آنان كالابي بیرونق‌تر از قرآن نیست هرگاه آنطور که شایسته آن است تلاوت گردد.
- ۳) و لا سلعةٌ أغلى ثمناً من الكتاب إذا حُرِفَ عن مواضعهِ؛ و نه كالابي گران‌بهاتر از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد.
- ۴) و لا عندهم أنكر من المعروف و لا أعرف من المنكر!؛ و منکرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی‌شناسم!

-۸ « و ما كنت ممن أدرك الملك بالمعنى و لكن بأيام أشبى النواصي! ». عین الاقرب إلى مفهوم البيت:

- ۱) اي مسيح خوش نفس چونی ز رنج!
که نبود اندر جهان بی رنج گنج!
 - ۲) عمر بگذشت و نديديم به خود روزبهی
تابه کی ای فلك، اين دور مکرر ديدن!
 - ۳) موي سپيد را فلكم به رايگان نداد
اين رشته را به نقد جوانی خريدهام!
 - ۴) خواب نوشين بامداد رحيل
با زدارد پياده راز سبييل!
- ۹ « إن كان لا يغريك ما يكفيكا فكلَّ ما في الأرض لا يغريك! ». عین ما لا يناسب مفهوم البيت:
- ۱) گدارا کند يك درم سيم سير
فریدون به ملك عجم، نیم سیرا!
 - ۲) گفت چشم تنگ دنيا دوست را
يا قناعت پر کند يا خاک گورا!
 - ۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست
آنکه آن داد به شاهان، به گدايان اين دادا
 - ۴) روده تنگ به يك نان جوين پر گردد
نعمت روی زمين پر نکند ديده تنگ!

-۱۰ « گرسنگی و قحطی نمی‌توانند بر جنگجوی شجاع چیره گردد و او را از مبارزه بازدارند، کما اینکه گرمای سوزان نمی‌تواند بر گیاهان صحراوی تأثیر کندا ». عین الصحيح:

- ۱) لا يمكن للجوع و المagueة التغلب على المكافح الباسل و تمنعه من التضال، كما أن شدة الحر لا تؤثر على الأشجار الصحراوية!
- ۲) إن الجوع والجدب لا يمكن لها الغلبة على كلَّ محارب شجاع و تمنعه عن المحاربة، كما أن حماره القيط لا يمكن له التأثير على النباتات البرية!
- ۳) إن المagueة والجوع لا تستطيعان أن تغلب المناضل الباسل و تشغله عن المحاربة، كما أن شدة الحرارة لا يمكن أن تتأثر بالأشجار الصحراوية!
- ۴) لا يستطيع الجوع و المagueة أن يتغلبا على المناضل الشجاع و يشغلاه عن المناضلة، كما أن حماره القيط لا تستطيع أن تؤثر على النباتات البرية!

۱۱ - « زنهار از اینکه در بین مردم چون حیله‌گران زندگی کنید و در بین مسلمین تفرقه بیفکنید! ». عین الخطأ:

۱) إِيَّاكُمْ وَ الْمُعِيشَةَ بَيْنَ النَّاسِ كَعِيشَ الْمَاكِرِينَ، وَ أَنْ تَفَرَّقُوا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ!

۲) إِيَّاكُمْ أَنْ تَعِيشُوا بَيْنَ النَّاسِ عِيشَةَ الْمَاكِرِينَ وَ تَشَفُّوا عَصَا الْمُسْلِمِينَ!

۳) حَذَارٌ مِنَ الْعِيشِ بَيْنَ الْأَنَامِ كَمَا يَعِيشُهُ الْمُحْتَالِينَ وَ أَنْ لَا تَشَفُّوا عَصَا الْمُسْلِمِينَ!

۴) الْعِيشُ بَيْنَ الْأَنَامِ مُحْتَالِينَ وَ بَثُّ الْفَرَقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ!

۱۲ - « برخی صنایع ادبی در ضرب المثلهای عربی نفوذ کرده بود، اما در تمام آنها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب المثلها خالی از هر نوع فن و بیانی بود، زیرا ضرب المثلها عادتاً در زبان محاوره رایج است! ». عین الصحيح:

۱) كَانَتْ قَدْ تَسْرِيَتِ الْأَمْثَالُ الْعَرَبِيَّةُ فِي الْمُجَمَّعِ الْعَرَبِيِّ دُونَ بَعْضِهِ، وَ الْأَمْثَالُ الْأَدَبِيَّةُ هَذِهِ كَثِيرًا مَا كَانَتْ خَالِيَةً عَنِ الْفَنِّ وَ الْبَيَانِ، وَ كَانَتْ تَسُودُ فِي لِغَةِ التَّحَاوُرِ كَالْعَادَةِ!

۲) بَعْضُ الصَّنَاعَاتُ الْأَدَبِيَّةِ كَانَتْ قَدْ تَسْرِيَتِ فِي الْأَمْثَالُ الْعَرَبِيَّةِ، وَ لَكُنُّهَا لَمْ تَسْتَوْعِبُهَا كُلُّهَا، بَلْ كَثِيرٌ مِنْ هَذِهِ الْأَمْثَالِ كَانَتْ مَغْسُولَةً مِنْ كُلِّ فَنٍّ وَ بَيَانٍ، لَأَنَّ الْأَمْثَالَ تَجْرِي فِي لِغَةِ التَّخَاطِبِ عَادَةً!

۳) مِنَ الصَّنَاعَاتُ الْأَدَبِيَّةِ مَا كَانَتْ تَنْفَذُ فِي الْأَمْثَالُ الْعَرَبِيَّةِ، وَ لَكِنْ لَا تَشْمَلُ كُلَّ ذَلِكَ، بَلْ كَثِيرًا مَا كَانَتْ الْأَمْثَالُ تَضْرِبُ دُونَ أَيِّ فَنٍّ وَ بَيَانٍ، لَأَنَّ الْأَمْثَالَ هَذِهِ جَارِيَةٌ فِي لِغَةِ الْحَوَارِ كَالْعَادَةِ!

۴) كَانَتْ الصَّنَاعَاتُ الْأَدَبِيَّةُ تَدْخُلُ فِي أَمْثَالِ اللِّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، وَ لَكِنْهَا لَا تَوْجُدُ فِي كُلِّهَا، بَلْ الْأَمْثَالُ الْعَرَبِيَّةُ كَانَتْ تَخْلُو مِنِ الْفَنِّ وَ الْبَيَانِ كَثِيرًا، وَ عَامَّةُ النَّاسِ تَسْتَفِدُ مِنْهَا فِي لِغَتِهَا الْذَّارِجَةِ عَادَةً!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصرفی (۱۷ - ۱۳)

۱۳ - « ... إنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جَهَادًا فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءِ مَرْضَاتِي ... ». عین الصحيح:

۱) ابْتِغَاءُ: مَصْدَرٌ مِنْ بَابِ افْتِعالٍ - مَعْرُبٌ - مَمْدُودٌ - مَنْصُوفٌ / مَعْطُوفٌ وَ مَنْصُوبٌ بِالْتَّبَعِيَّةِ لِلْمَعْطُوفِ عَلَيْهِ «جَهَادًا»

۲) خَرَجْتُمْ: مَاضٍ - مَجْرَدٌ ثَلَاثِيٌّ - صَحِيحٌ وَ سَالِمٌ / فَاعِلُهُ ضَمِيرُ النَّاءِ الْبَارِزُ، وَ الْجَمْلَةُ فُعلِيَّةٌ وَ شَرْطِيَّةٌ وَ فِي مَحْلِ الْجَزْمِ

۳) جَهَادًا: مَصْدَرٌ مِنْ بَابِ مَفَاعِلَةٍ / مَفْعُولٌ لِأَجْلِهِ وَ عَالِمُهُ «خَرَجْتُمْ»، أَوْ مَفْعُولٌ مُطْلَقٌ لِعَالِمٍ مَحْذُوفٍ، أَوْ حَالٌ مَؤَوِّلَةٌ إِلَى الْمُشَتَّقِ أَوْ خَبَرٌ «كَانَ»

۴) مَرْضَاتِي: جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَؤَنَّثِ - جَامِدٌ وَ مَصْدَرٌ مَيْمَيٌّ / مَضَافٌ إِلَيْهِ فِي الْأَنْظَرِ، وَ فِي الْمَعْنَى مَفْعُولٌ بِهِ لِشَبَهِ الْفَعْلِ «ابْتِغَاءُ»، وَ ضَمِيرُ الْيَاءِ مَضَافٌ إِلَيْهِ

۱۴- «آتونی زیر الحديد حتى إذا ساوي بين الصدفين قال انفعوا حتى إذا جعله نازا قال آتونی أفرغ عليه قطرًا». عین الصحيح:

۱) ساوي: فعل ماضٍ من باب معاملة و لفيف مقوون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو»

و الجملة فعلية و في محل نصب على الظرفية!

۲) آثوا (الأولى): فعل أمر من المجرد الثلاثي، معتعل و ناقص (اعلاه بالحذف)، و مبني على حذف
نون الإعراب

۳) أفرغ: متنازع فيه، مجرد ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط محذوف مع أداته

۴) قطرًا: متنازع فيه، و هو مفعول به لفعل «أفرغ»، و العامل الآخر مستغنٍ عن المعمول

۵- «من نظر في عيوب الناس وأنكرها ثم رضيها لنفسه فذلك الأحمق بعينه!». عین الخطأ:

۱) الأحمق: مشتق و اسم تفضيل (مصدره: حمق) / خبر مفرد و مرفوع

۲) نظر: فعل ماضٍ و شرط و مجزوم محالاً، و جواب الشرط الجملة الاسمية «ذلك...»

۳) أنكر: ماضٍ من باب إفعال، فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً، و معطوف على فعل «نظر»

۴) عين: اسم جامد و مجرور بالياء الزائدة في اللفظ و مرفوع محالاً بالتبعية على أنه مؤكّد معنوي للنسبة

۶- «كم من كلمة خفيف وزنها أودت بجماعة وغير عددها». عین الخطأ:

۱) عدد: مبتدأ مؤخر، و خبره «وغير» و الجملة اسمية و نعت للمنعوت «جماعة» و رابطه ضمير الهاء

۲) خفيف: نعت سبيّي تابع للمنعوت أو الموصوف «كلمة» في الإعراب، و عامل في المعمول «وزن»

۳) أودت: ماضٍ من باب إفعال و لفيف مقوون، و متعدّ بالباء، و مع فاعله جملة فعلية و خبر للمبتدأ «كم»

۴) كم: كناية عن العدد العيّم و خيرية، و في محل رفع على الابتداء و تمييزها «كلمة» المجرور بحرف
«من» الزائدة

۷- «ببذل و حلم ساد في قومه الفتى و كونك إياه، عليك يسير!». عین الخطأ:

۱) إياته: ضمير منفصل منصوب و مرجعه «الفتى» و خبر «كان» المفرد و في محل نصب، و اسم
«كان» ضمير الكاف

۲) يسير: مشتق و صفة مشبهة (مصدره: يسر) و خبر للمبتدأ «كون» و مرفوع و متعلق للجار
و المجرور «عليك»

۳) الفتى: صفة مشبهة و اسم مقصور، فاعل و مرفوع بضمّة مقدّرة، و عود ضمير «قبّة» إلى
المتأخر جائز

۴) كونك: من النواسخ و مرفوع على الابتداء، اسمه ضمير الكاف و خبره جملة «عليك يسير»

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٨-٣٢)

١٨- عین الصحيح (عن الجمع):

- ١) مثل الجريحوں فی الحادثة عما وقع طيلة السفر!
- ٢) الأستاذ يدرس درسًا جديداً بسرعة و الطالب حيرانون!
- ٣) الإخوان الأسدون يحمون عن وطنهم و لا يقترون!
- ٤) إن ذوي سبيویہ هم الذين سُموا بهذا الاسم الشهير!

١٩- عین الصحيح عن المصقر للأسماء التالية: بنت، اسم، كتاب، سوداء:

- ١) بنیت، اسیم، کتیب، سویداء
- ٢) بنیة، سمی، کتیب، سویداء
- ٣) بنیت، اسیم، کتیب، سویداء
- ٤) بنیة، سمی، کتیب، سویداء

٢٠- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أشير إليها بخط:

- ١) سبّح الله تسبيحة (اسم النوع أو الهيئة)
- ٢) «قالوا معدنة إلى ربكم» (مصدر ميمي)
- ٣) «يظلون بالله غير الحق ظن الجahلية» (مصدر صناعي)
- ٤) أطلب الإجابة عند اقصرار الجلد و عند إفاضة العبرة! (مصدر رياعي مزيد)

٢١- عین الخطأ (بالنسبة إلى مرجع الضمير):

- ١) شاهد أبوهما الطفلين!
- ٢) شاهد أبوهما الطفلين!
- ٣) شاهد أباهما الطفلين!

٢٢- عین الخطأ (في وزني فعل و مفعول):

- ١) غصت في البحر للسباحة، فإذا غريق كان يستصرخي!
- ٢) كانت تدرِّسنا معلمة صبور ، لا تتعب من أسئلتنا الكثيرة!
- ٣) هناك امرأة غريق تتثبت بكل شيء لنجاتها، أعطها لتجو!
- ٤) عندي صديق صبور ، يداري و يتماشى معني في كل الأمور!

٢٣- عین ما لم يتقم الخبر وجواباً:

- ١) أين آخرك، ما رأيته منذ مدة؟
- ٢) ما ناجح إلا الصادق في أعماله!
- ٣) طالبة في الصفة أم طالب؟
- ٤) إنما شجاع من يحارب شيطان نفسه!

۲۴- عنین ما لیس فیه «أن» المخففة:

۱) «أشهد أن لا إله إلا الله»

۲) «أَفَلَا يرَوْنَ أَلَا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا؟»

۳) «رَأَنَا إِنَّا سَمِعْنَا مَنَادِيَ يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ»

۴) «عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضٌ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ»

۲۵- عنین الخطأ نحویاً:

۱) من أراد البقاء ليوطّن نفسه على المصائب! ۲) كُلُّ إِنَاءٍ يَنْصَحُ بِمَا فِيهِ!

۳) كفى بالمرء خيانةً إِنْ كَانَ أَمِينًا لِلخُونَةِ! ۴) الوضياع من وضع نفسه!

۲۶- عنین الخطأ (في العدد):

۱) إِنَّهُ أَتَى لَنَا بِمَائَةِ دَلِيلٍ وَنِيَفَ لِيُثْبِتَ مَذَاعَاهُ!

۲) لَهُ سَتُّ وَنِيَفَ مِنَ الْمَقَالَاتِ الْعُلُومِيَّةِ الْبَارِعَةِ!

۳) يَدْرِسُ فِي كُلِّيَّتَيْنِ أَلْفَ وَنِيَفَ مِنَ الطُّلُّابِ وَالْطَّالِبَاتِ!

۴) كَانَ يَطَّالِبُ مِنَ الْأَجْرَةِ سَعْيَنِ وَنِيَفَ مِنَ الثُّوَمَانَاتِ!

۲۷- عنین حرف «لا» ليست لنفي الجنس:

۱) لَا عَمَلٌ خَيْرٌ ضَانِعٌ وَلَا عَمَلٌ سُوءٌ رَابِحٌ!

۲) لَا فِي الصَّفَّ مَعْلُومٌ وَلَا طَالِبٌ!

۳) لَا صَنْعٌ مَجْتَمِعَانِ!

۲۸- عنین العبارة التي جاء فيها المفعول المطلق مرتين:

۱) جلست على الكرسي جلوساً صحيحاً!

۲) علمته الدرس مرتين اثنين!

۳) كتبت كتاباً لم يكتب أحد مثله!

۴) مشيت مشيّاً لا يمشي به أحد!

۲۹- عنین الصحيح في المفعول لأجله:

۱) إنها طالعت هذه المقالة علمًا بِأَنَّهَا تَفِيدُهَا!

۲) على المؤمن أَلْيُخْطَطُ فِي حَيَاتِهِ إِذْخَارًا لِلْمَالِ فَقْطًا!

۳) قمنا بإِقَامَةِ الْحَصُونَ حَوْلَنَا خَافِقِينَ الْعَدُوَّ الْلَّدُودَ!

۴) يَبْجِلُ النَّاسُ الْإِنْسَانَ الصَّادِقَ حَبًّا لِصَدْقَهِ فِي الْعَمَلِ!

۳۰- عنین اسم الفعل بمعنى الأمر:

۱) مَهْ مَا هَذَا الْفَضْلُ!

۲) هَيَّاهُتْ مَمَّا الذَّلَّةُ!

۳) بَحْ لَكَ عَلَى هَذَا التَّقْدِيمِ!

۴) شَتَّانَ مَا بَيْنَ الْمُجْتَهِدِ وَالْكَسْلَانِ!

۳۱- عنین الخطأ في إنشاء صيغة التعجب:

۱) عَلِمَ هَذَانِ الطَّالِبَانِ!

۲) عَلِمَ بِهَذَيَنِ الطَّالِبَيْنِ!

۳) عَلِمَ بِهَذَيَنِ الطَّالِبَيْنِ!

۴) مَا كَانَ أَعْلَمُ هَاتِيْنِ الطَّالِبَيْنِ!

۴) مَا يَكُونُ أَعْلَمُ هَذِيْنِ الطَّالِبَيْنِ!

٢٢- عین الخطأ في إعراب المستثنى:

- ١) ما تخرّجت طالبات كلّيّتنا إلّا عشرين منهن!
- ٢) لم يبق في الصّفّ إلّا خمسة و عشرين من الطّلبة!
- ٣) لن يفوز في السّباق إلّا هؤلاء المتأثرون في التّدريب!
- ٤) لم يفز في سباق العام الماضي إلّا المتأثرون و المتأثّرات!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٢-٣٣)

٣٣- عین مخاطباً كان إنكاره أشدّ:

- ١) برجاء جونك يُطرد الفقر!
- ٢) ألا إنّما الدنيا بلاغٌ لغاية!
- ٣) إلى الله أشكو لا إلى الناس!
- ٤) و ما العيش إلّا مدة سوف تقضي!

٤- عین ما يختلف فيه غرض الاستفادة من اسم الموصول:

- ١) « فأغرقناه و من معه جميعاً»
- ٢) « يقولون بالسنتهم ما ليس في قلوبهم»
- ٣) « يوم تجد كلّ نفس ما عملت من خير محضرًا»
- ٤) « ففرز من في السّماءات و من في الأرض»

٥- عین الخطأ حول عبارة «إذا أردت فانت تجود»:

- ١) تستوعب العبارة المدح و الذمّ!
- ٢) حذف المفعول به للبيان بعد الإبهام!
- ٣) المتكلّم متقابل بإراده الجود!
- ٤) قدم المسند إليه لإفاده الثبوت و الاستقرار!

٦- عین الصحيح في سبب الفصل:

- ١) مات فلان رحمه الله (شبه كمال الانقطاع)
- ٢) فيها موئِّرُ زر إن الحياة ذمية (كمال الاتصال)
- ٣) « ما هذا بشرًا، إن هذا إلّا ملكٌ كريم» (كمال الاتصال)
- ٤) «اتبعوا المرسلين، اتبعوا من لا يسألكم أجراً و هم مهتدون» (شبه كمال الاتصال)

٣٧ - عَيْنُ مَا فِيهِ مُسَاوَادَةٌ:

- ١) « يخربون بيوتهم بأيديهم »
 ٢) « فيها فاكهة و نخل و رمان »
 ٣) « و قطعاهم في الأرض أمماً »
 ٤) « إن الله لا يظلم مثقال ذرة »

-٣٨- عين الخطأ في غرض التشبيه:

- (١) ما قوبلت عيناه إلا ظننا
 - (٢) أرى كل ذي جود إليك مصيري
 - (٣) لا تحسروا أن رقصي بينكم فرحا
 - (٤) أصبحت من ليلي الغادة كفابض

٣٩ - عين الخطأ في علاقة المحاذ المرسل:

- (١) مال الوادي (محلية)
 - (٢) بن الأبرار لفي نعيم (
 - (٣) سأوقد نازا (اعتبار ما
 - (٤) حتى فلان غمامه واد

عن الأبلغ من الاستعارة:

(١) إن التكاء عدو لا يضر

- ٢) وَعَدَ الْبَرُّ بِالزِّيَارَةِ لِيَلَّا
٣) سَقَاهُ الرَّدَى سَيْفٌ إِذَا سَلَّ أَوْمَضَتْ
٤) لَدِي أَمْبَ شَاكِيِّ السَّلَاحِ مَقْذُوفٌ

٤- عين الخطأ في لازم الكنائية:

- (١) ركب جناحي نعامة! (الخوف)
 - (٢) أشكو إليه قلة الجرذان! (الفقر)
 - (٣) لوت البابالي كفه على العصا!
 - (٤) تجول الخلاخيل ولا أرى لها خل

^{٤٢} - عَنِ الصَّحِيفَةِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿ وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَغَوْا فِي دِينِكُمْ فَقَاتَلُوا أَنْتَهُ الْكُفَّارُ ﴾

- ١) التفريع
 - ٢) التجريد
 - ٣) الاستبعاد
 - ٤) المذهب الكلامي

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٣-٧٧)

٤- عین الصحيح عن العصر الجاهلي:

١) ليست الحروف العربية حروفاً وضعية بل إنها تولدت بتتابع الحرف النبطي الذي كان شائعاً في شمال جزيرة العرب قبل العرب!

٢) اللغة العربية أرقى اللغات السامية فصاحة و اتساعاً و أقرب من أخواتها إلى الآرامية و إن كانت السامية أقدم منها عهداً!

٣) إن الشعر الجاهلي له لغة فصحى واحدة هي في الأصل لهجة أهل الشام و تمتاز هذه اللغة بالإعرايبة و الاشتقاقية و النحت و الترافق!

٤) كان للعرب في الجاهلية كتاتيب لتعليم القراءة و الكتابة و اشتهر في ذلك أهل الحجاز الذين كانوا يجيدون قراءة عدة لغات أجنبية و كتابتها!

٤- لماذا لم تذكر الحماسة بين أغراض الشعر العربي القديم؟

١) لأن اهتمام النقاد العرب كان منصبًا على البيت الواحد!

٢) لأن الحماسة كانت من أغراض الشعر الفارسي و لم يكن النقد العربي يعرفها!

٣) لأن النقاد العرب كانوا يهتمون بالمدح و الهجاء و الزثناء دون غيرها من الأغراض!

٤) لأن العنصر العربي لم يكن يحل مكان الصدارة في قيادة الجيوش في عصر تدوين النقد الأدبي!

٤- عین الصحيح عن أسلوب حسان بن ثابت الانصاري:

١) كان هجوه للأعداء بعيداً من الفحش و الإقذاع الشنيع!

٢) كان حسان يمدح الملوك على الطراز القديم بحفل بالتفخيم و التعظيم!

٣) كان وصفه للخمرة بعيداً عن الحيوة لأنه لم يكن يحب الخمرة!

٤) كان يفاخر في وجه الأعداء بأسلوب جديد يختلف عن العصر الجاهلي!

٦- ولد في فيافي الدهماء ببادية اليمامة و نشا فيها و كان شديد الفقر دمياً يضرب لونه إلى السواد، لما نشب الهباء بين جرير و الفرزدق دخل بينهما و ناصر الفرزدق على الجرير! هذا الكلام يدل على:

١) ذي الرمة!

٤) عبيد الله بن قيس الرقيات!

٣) رؤبة بن العجاج!

٤٤- عین الخطأ:

- ١) كان العراق موطنًا من مواطن الجندي والستعي ولكن بعد زمن أصبح موطنًا للتهك والاستهتار!
 - ٢) السبب الرئيس في تغيير سلوك العراقيين واتخاذهم طريق المجنون كان انتقال الخلافة من الشام إلى بغداد!
 - ٣) ظلت الشام تكاد تشارك العراق في جده ولا تكاد تشارك الحجاز في لهوه، وأهل الشام كانوا أنذاك عماد الخلافة الأموية!
 - ٤) التغيير في خلفيات المواطن العراقي لم ينشأ في العراق نفسه ولكن وفدى على العراق من الحجاز الذي كان قد ذوق هذه الاستهالة من قبل!
- ٤٤- عین الصحیح للفراغ: کان زعیم التصنيع البدیعی الی عمّت موجّهه من بعده فأصبح من ذوق عصره!
- ١) ابن المعترٌ ٢) مسلم بن الولید ٣) الحسین بن الصّحّاح٤) العباس بن الأحلف

٤٥- عین الخطأ:

- ١) كان في عصر الأميين يُؤخذ النقاد اللفظ والمعنى مقاييسًا لجودة الشعر!
 - ٢) كان في البداية كلما قرب اللفظ من البداءة و يملأ الفم و يهيز السمع، كان هو الأجد!
 - ٣) الجمالية في الشعر في بداية العصر العباسي كانت تدور حول مقدار اتباع الشاعر الماضين أم خروجه!
 - ٤) الخلاف بين القدماء والمحديثين يتمثل في كل من «البحتري وأبي تمام» و «أبي نواس و مسلم» و «المتنبي وأبي تمام»!
- ٤٥- عین الخطأ حول ما نعرف من التغيرات والتطورات في الشعر عند القدماء والمحديثين في القرون الأولى:
- ١) نشأ في عصر بنى أمية نوعان من الشعر لم يكن قد أفهمها الجاهليون أو أحسنوا فهمهما و هما الغزل و الشعر السياسي!
- ٢) من أسباب عدم التطوير الجذري هو أن الأمة العربية لم تعرف من أداب الأمم الأخرى شيئاً يذكر و لم تخلط هذه الأمم من الوجهة الأدبية!
- ٣) لا يمكن أن نقارن العصر الأموي مع العصر العباسي؛ فلا نشاهد تجديداً أو تغييراً في العصر الأموي، فالشاعر كان يشعّ الجاهليين في الصورة والمضمون!
- ٤) إن الحياة العربية تطورت، أو ربما يمكن أن نقول أنها تبدلت في القرنين الأول والثاني كاملاً، و لكن الأدب لم تتغير لا في الصورة ولا في الموضوع!

٤٦- عین الخطأ:

- ١) لحياة بشار الأدبية مراحل ثلاث: ١- بشار المعتدل ٢- بشار المستهتر ٣- بشار التائب
- ٢) كان بشار في أول أمره متصلًا بالمعتزلة و رجال الفقه و الدين، ثم أصبح رجلاً غزلًا!
- ٣) عوتب بشار مرة و أذنر ثانية و عوقب ثالثة و ضرب و مات لإسرافه في الزينة و الغزل الماجن!
- ٤) كثير من محضرمي النظماء مثل حماد عجرد كانوا في أول أمرهم أصحاب جدًّ ثم تغيرت أحوالهم و أصبحوا أصحاب لهو!

۵۲- عین الخطأ:

- ۱) بظهور أبي تمام يبدأ التعقيد الفي في الشعر العربي!
- ۲) من ميزات القرن الثالث هو أن النثر بدأ يفوق الشعر!
- ۳) كان من ميزات القرن الثاني الاضطراب و عدم الاستقرار في كل شيء!
- ۴) في الأجناس الأدبية الشعرية كان جنس الغر أكثراً استيعاباً و شيوعاً عند الشعراء!

۵۳- لماذا كان «دعبل» مخاصماً لأبي تمام؟ عین الصحیح:

- ۱) لأنّه كان يكثر قراءة شعر الشعراة الذين سبقوه!
- ۲) لأنّ أبيتمام كان متهمًا بالإكثار في السرقات الشعرية!
- ۳) كان أبوتمام يدافع عن الأنظمة الحكومية و يعارض المخالفين!
- ۴) كان أبوتمام قد أحمل كثيراً من الشعراء حيث إنّهم لم يستطيعوا أن يكسبوا درهماً!

۵۴- كان الشاعر في العصر العباسي يأخذ ثقافته من أحد المصادر التالية: (عین الخطأ):

- ۱) اليونانية الخالصة التي نقلها المسلمون!
- ۲) ثقافة الروميين التي نقلها المسيحيون!
- ۳) الثقافة العربية التي تشمل ثقافة الجمهور و القرآن و العلوم الإسلامية!
- ۴) الثقافة الشرقية التي تشمل الإيرانيين و الهنود و بعض الشعوب السامية!

۵۵- لماذا كان أبوتمام مبغضاً إلى المحافظين؟ عین الخطأ:

- ۱) كان أبوتمام مرهقاً بالمعنى حيث يفسد الموسيقى أحياناً!
- ۲) إنّ أبيتمام كان مشغولاً بالمعاني التي لم تكن في متناول الأيدي!
- ۳) كان أبوتمام قبل كلّ شيء يعتني بالموسيقى الشعرية التي تأتي من البديع و قد كان يرجح هذه الشكليات!
- ۴) كان القدماء يتذمرون الصورة الشعرية و البديع وسيلة إلى الجمال الفي بخلاف أبي تمام فلم يكن له ذلك غاية الشعر!

۵۶- ما كان سبب تقدّم أبي تمام على معاصريه؟ عین الصحیح:

- ۱) كان مفكراً قبل أن يكون شاعراً!
- ۲) إنه كان يعتمد على الطبع وحده في الشعر!
- ۳) إنه كان رمزاً لجنس «المدح» الشعري المتواجد في عصره!
- ۴) لم يكن متأثراً بثقافة عصره بل كان حديثاً في جميع الساحات!

۵۷- عین الخطأ للفراغين: يُعتبر من أصحاب في النقد الأدبي في العصر العباسي!

- ۱) الأمدي / منهج الموازنة
- ۲) ابن سلام الجمحي / المنهج اللغوي
- ۳) الجاحظ / المنهج الكلامي
- ۴) ابن قتيبة الدينوري / المنهج الفلسفی

۵۸- عین الصحيح للفراغ: كان حلقة الوصل بين المدرسة الحميّيَّة والمدرسة الجاحظيَّة!

- ۱) أحمد بن يوسف ۲) أبو بكر الصوّلي ۳) سهل بن هارون ۴) عمرو بن مسعة

۵۹- عین الخطأ بالنسبة لأغراض الشعر و فنونه في العصر العباسي:

- ۱) قويُّ الشعر الرثائي / ضعفُ الشعر الحماسي / ظهرُ الشعر التعليمي

- ۲) ظهرُ الشعر القصسي / استقلُّ الشعر الطردي / قويُّ الشعر المدحي

- ۳) استقلُّ الشعر الزهدى / قويُّ الشعر الهجائي / ضعفُ الشعر الفخري

- ۴) ضعفُ الشعر السياسي / ظهرُ الشعر الفلسفى / استقلُّ الشعر الوصفي

۶۰- عین الصحيح عن اللغويين و النحوين و المفسرين و المتصوفين في العصر العباسي على الترتيب:

- ۱) الزمخشري / الفراء / الثعلبي / الكندي

- ۲) ابن التديم / الكسائي / الطبرى / الحجاج

- ۳) ابن دريد / يونس بن حبيب / الرازى / ابن عربي

- ۴) الأزهري / أبو عمرو بن العلاء / الأصمسي / ابن الفارض

۶۱- عین الخطأ عن ميزات النثر العباسي:

- ۱) التائق في اللفظ، أصالة المقدمات، الإطناب!

- ۲) السهولة في العبارة، التائق في اللفظ، الإجاز!

- ۳) الميل إلى الغلو و الإكثار، التفصيل و الإطناب!

- ۴) الجودة في الوصف، السهولة في العبارة، التائق في اللفظ!

۶۲- عین الخطأ عن ميزات الشعر العباسي:

- ۱) استقلُّ الشعر الزهدى و الخمري و الطردى!

- ۲) ظهرُ الشعر الفلسفى و الصوفى و التعليمي!

- ۳) ضعفُ الشعر المدحي و الرثائي و الهجائي!

- ۴) ضعفُ الشعر السياسي و الحماسي و أهمل الغزل العذري!

۶۳- عین الصحيح:

- ۱) إستطاع ابن قتيبة أن يوحد بين اللفظ و المعنى!

- ۲) إستطاع الجاحظ أن يقضى على ثانية اللفظ و المعنى!

- ۳) إستطاع ابن طباطبا أن يربط بين علم الجمال و لغة الشعر!

- ۴) إستطاع عبد القاهر الجرجاني أن يوحد بين فلسفة اللغة و فلسفة الفن!

۶۴- عین الخطأ عن منهج عبد القاهر الجرجاني النقدي:

- ۱) كان يخالف ثانية اللفظ و المعنى!

- ۲) بُنيت دراساته على أساس المنهج اللغوي!

- ۳) كان أول من تتبه إلى العلاقة بين أصوات اللغة و معانيها!

- ۴) المجال التطبيقي لدراساته كان محدوداً بالشواهد المبتورة و الأبيات المحدودة!

پیاچ دی تست: نختین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

۶۵- هل تُحسب المقايسة بين «رسالة الغفران» للمعزى و «الفردوس المفقود» لجون ملتون، من دراسات المقارنة حسب المدرسة الفرنسية؟

۱) نعم، لأنَّ كليهما مكتوفان!

۲) نعم، لأنَّ الأثنين حول السفر إلى الآخرة!

۳) لا، لأنَّ المقارنة لا تقبل بين العربية والإنجليزية!

۴) لا، لأنَّ ملتون لم يطّلع على رسالة الغفران ولم يتأثر بها!

۶۶- عِنْ الصَّحِيحِ عَنِ الْمُؤْلَفَاتِ الْلُّغُوِيَّةِ وَعِلْمَاهَا فِي الْعَصْرِ الْعُثْمَانِيِّ:

۱) تقصر العلوم اللغوية على محاولات اللغويين في كتابة المعاجم كمعجم تاج العروس للزبيدي!

۲) من أهم المحاولات اللغوية كتاب كشف الظنون لحاجي خليفة وهو معجم مرتب على الحروف الأبجدية!

۳) كتاب الكشكوك لبهاء الدين العاملی معجم لغوي غير مرتب على ترتيب خاص، فلهذا تصعب مراجعته للقارئ!

۴) كتاب كثاف اصطلاحات الفنون للتهانوي، معجم يستعان به في وضع المصطلحات اللغوية للعلوم الجديدة!

۶۷- عِنْ الْخَطَاطِ عَنْ جَمِيلِ صَدْقِيِ الرَّهَاوِيِّ:

۱) إنه شديد الاعتناء بأرائه الإصلاحية بشعره، كما كان شاعر المرأة الجديدة!

۲) إنه شاعر يجمع ما بين اللَّيْنِ وَالْقَوَّةِ وَالْفَنِّ وَالْفَلْسَفَةِ وَالْدَّاعَةِ وَالْعَنْفَوَانِ!

۳) نرى في شعره الشكوى و شكواه تناول مواطنيه و الزَّمان و الحَكَام و لكنها لا تناول الطبيعة البشرية!

۴) إنه شاعر عقلاني لا يطمئنُ بغير ما يسمع أو يبصر و لا يصدق شيئاً من الأخبار من غير تحفظ و تبصر!

۶۸- أي شاعر لا يدخل في زمرة شعراء ما بين التقليد والتجدد؟:

۱) أحمد شوقي ۲) فوزي المعلوف ۳) خليل مطران ۴) أمين نخلة

۶۹- عِنْ الْمَنْهَجِ الْمُتَبَعِ عَنْ صَاحِبِ الْعَبَارَاتِ التَّالِيِّةِ:

فهو كان يهجو الناس، و يبسط لسانه فيهم، و يشنع عليهم ليرهباهم و يخيفهم، و يظفر بما لهم أو بيته على الأصح. فيعيش متربعاً مُنعماً موسعاً عليه، و يبقى مخضي اللسان. و إذا كان على ضخامة جثته و م Tanner أسره و شدة بنيته لا يستطيع أن يكون فاتكاً، لما مني به من العمي، فقد اتخذ من لسانه أداة للفتك و البطش، و وسيلة إلى استشعار القوة و إفادة العزة! قالت له بنته مرأة: يا أببت ما لك يعرفك الناس و لا تعرفهم؟ قال: هكذا الأمير يا بنية!

۱) النفسي ۲) الاجتماعي ۳) التاريخي ۴) المتكامل

۷۰- عِنْ مَا لَيْسَ مِنْ مَخَاطِرِ الْمَنْهَجِ الْتَّارِيْخِيِّ فِي النَّقْدِ الْأَلْبَيِّ:

۱) الاستقرار الدائم ۲) الأحكام الجازمة و الحازمة

۳) إغفال قيمة العبرية الشخصية ۴) التعميم العلمي

۷۱- عین ما لیس من میزات المدرسة الرومانسية:

۱) الوحدة العضوية!

۲) الامتزاج بالطبيعة و الذوبان فيها!

۳) الإحساس بالغرابة بكل أشكالها و شئ مناحيها!

۴) الأدب الموجه النابع من الفهم الديناميكي لحركة التاريخ!

۷۲- ما هو أهم الملامح الأسلوبية التي أحدثتها مدرسة الإحياء في الشعر العربي الحديث؟

۱) الابتعاد عن تكثيف البديع و الزخارف اللغوية إلى الرصانة و التحرر!

۲) الانتقال من التعقيد و الغموض و الألغاز إلى السهولة و القوة و الواضح!

۳) الارتكاء بالكلمة و العبارة من الضعف و الابتدا إلى صحة التركيب و قوته!

۴) التعبير عن الأحساس الذاتية و الحياة المعاصرة و القضايا القومية و أحداث العصر!

۷۳- عین الخطأ:

۱) القسم المشترك عند البنويين و الشكلانيين في ساحة عملية فهم النص هو الاهتمام بالأرضية!

۲) في رؤية ما بعد الحداثيين - على خلاف الحداثيين - تض محل المرجعية في جميع الساحات الفكرية!

۳) عند أصحاب نظرية التلقّي لا يمنع النص و الملابسات المحيطة به و كذلك السياق المعاني و الدلالات للمتنقّي!

۴) المنهجية و النقد اللغوي حول النص ضحيان كبرitan في مجموعة الاتجاهات النقدية الحديثة المسيطرة على الساحات الفكرية النقدية!

۷۴- عین الخطأ حول ميزات اتجاه الهرمنيوطيقا الفلسفية:

۱) المعنى النصي عند متبعي هذا الاتجاه مخلوق لا مكتشوف!

۲) المحاولة للحصول على قصد المؤلف في النص تافه لا طائل تحته!

۳) أصحاب هذه الفكرة يرفضون فكرة موت المؤلف و غياب المعنى النصي و السياق!

۴) هذا الاتجاه من فروع ما بعد الحداثة حيث إنه يعارض بعض مكتسبات مرحلة الحداثة!

۷۵- عین الصحيح: المقصود من «متافيزيقا الحضور» عند التقويضيين أو التفككيين هو أن ...

۱) الآليات التي نستخدمها لاستخراج المعنى من النص مأخوذة من التصورات و الأخيلة، فلا آلية لاستخراج المعنى!

۲) المعتمد في منهجية فهم النص هو الخيال و القوة الفاهمة و الذهنية للمتنقّي، فلا مرجعية للنص!

۳) حضور المؤلف أثناء عملية فهم النص حضور غيبي لا نراه إلا من وراء الحجب الذهنية!

۴) النص لا يشتمل على المعنى بل المعنى هو الأمر الذي سيحدث أثناء قراءة النص!

۷۶- عین ما فيه کله من الكلمات المفتاحية للبنيوبيين:

۱) النظرة التطورية، البنية، الثنائيات، البنية-

۲) النظرة الترامنية، التناص، زمان صدور الكلام، الترافد

۳) النظام الالتافي، البنية، الغرائب اللغوية، مكان صدور الكلام

۴) النظام الاستبدالي، المنظومة المعنوية، المؤلف، التضادات اللغوية

۷۷- عین الصحيح:

۱) الكلمة المفتاحية للشكلاطيين في عملية فهم النص هي «الغرائب»!

۲) كلمتان أساسيتان في اتجاه الشكلاطيين هما «الصورة» و «سياق غير اللغوی»!

۳) إذا لم يدرس زمان صدور النص و مكانه فإنه لا يليق أن نسميه تحليلاً شكلانياً!

۴) «المؤلف» هو الحجر الأساس عند الشكلاطيين لأنّه هو الذي يوجد صورة النص و شكله!

■ ■ ■ اقرأ النصوص التالية (ألف - ب - ج - د - ه - و) ثم أجب عن الأسئلة (۷۸-۱۰۰) بما يناسب النص

ألف (۷۸ و ۷۹) جاء في القرآن الكريم:

﴿وَ كُمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا، فَنَفَّبُوا فِي الْبَلَادِ هُلْ مِنْ مُحِيطٍ إِنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَقْىَ السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ... وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسْبِحْهُ وَ أَدْبَارُ السَّجُودِ... إِنَّا نَحْنُ نَحْبِي وَ نَمْبِي وَ إِلَيْنَا الْمُصِيرُ. يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سَرَاغًا، ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ. نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِمْ بِجَارٍ، فَذَكْرٌ بِالْقُرْآنِ مِنْ يَخَافُ وَ يَعْدُ﴾

۷۸- عین ما لم يأت في الآيات:

۱) العقل منقد من الهلاكة!

۲) عدم إكراه الآخرين بالإيمان!

۳) التذكر بالقرآن يختص بالخائفين الوعود!

۴) وداع الأرض لها عجلة بالخروج!

۷۹- عین الخطأ: الأخبار التي جاءت في الآيات هي:

۱) ربما هناك من لا يتبغ النبي (ص) و هو يخاف ربّه!

۲) تتصدع الأرض بسرعة والأحداث تخرج من الأرض!

۳) إن العبادة في بعض آناء الليل وفي حالة السجود أحسن!

۴) كان النبي (ص) يحرض على أن يقبل الناس ما أوحى إليه!

ب (۸۰-۸۲) جاء في نهج البلاغة:

وَقَرَ سَمْعَ لِمْ يَفْقَهُ الْوَاعِيَةُ وَكَيْفَ يُرَايِ النَّبَأُ مِنْ أَصْنَافِهِ الصَّيْحَةُ، رَبِطَ جَنَانَ لَمْ يَفَارِقْهُ الْخَفْقَانُ!
مَازَلَتْ أَنْتَظِرُ بِكُمْ عَوْاقِبَ الْغَدَرِ وَأَتَوْسَمُكُمْ بِحَلَيَةِ الْمُعْتَزِّينَ حَتَّى سَتَرَنِي عَنْكُمْ جَلَابَ الدِّينِ وَبَصَرَنِيكم
صَدَقَ النِّيَّةُ! أَقْمَتْ لَكُمْ عَلَى سَنَنِ الْحَقِّ فِي جَوَادِ الْمُضْلَلَةِ حِيثُ تَلْقَوْنَ وَلَا دَلِيلٌ، وَتَحْتَفِرُونَ وَ
لَا تُمْهِيُونَ! الْيَوْمُ أَنْطَقَ لَكُمُ الْعَجَمَاءِ ذَاتَ الْبَيَانِ! عَزْبُ رَأْيِ امْرَى تَخَلَّفُ عَنِّي! مَا شَكَّتْ فِي الْحَقِّ مَذْ
أَرَيْتُهُ! لَمْ يَوْجِسْ مُوسَى خِيفَةً عَلَى نَفْسِهِ، بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجَهَالِ وَدُولَ الْضَّلَالِ! الْيَوْمُ ثَوَافَقْنَا عَلَى
سَبِيلِ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ. مَنْ وَثَقَ بِمَايَ لَمْ يَظْمَأْ!

۸۰- عن الصَّحِّيفَةِ الْمُقصُودَ مِنَ التَّعَابِيرِ التَّالِيَّةِ:

- ۱) من وثق بماي لم يظماً: کسي که به آب مطمئن شود، دیگر دچار احساس تشنجی نخواهد شد!
- ۲) أَنْطَقَ لَكُمُ الْعَجَمَاءِ ذَاتَ الْبَيَانِ: برای شما ناشنوای دارای قدرت بیان را به زبان می آورما!
- ۳) أَشْفَقَ مِنْ غَلْبَةِ الْجَهَالِ وَدُولَ الْضَّلَالِ: از غلبه جاهلان و دولتهای گمراهی می ترسما!
- ۴) أَقْمَتْ لَكُمْ عَلَى سَنَنِ الْحَقِّ فِي جَوَادِ الْمُضْلَلَةِ: برای شما بمنظور راهنمایی تان به راههای حق در میان
جادههای گمراهی پا خاستم!

۸۱- بين من الظَّرِفَاتِ الْإِجْتِمَاعِيَّةِ الَّتِي لَمْ تَأْتِ فِي النَّصِّ:

- ۱) بعض الأحيان كان الخوف من سيطرة الجهلة يسبّب الصمت والسكوت!
- ۲) هناك جماعات تحاول الحصول على التور لكنهم ما كانوا يجدونه!
- ۳) الحق ظاهر و الباطل مستور و الناس حائرون بين هذا و ذاك!
- ۴) هناك فئات كانوا يظهرون الحق و هم كانوا بعيدين عنه!

۸۲- من آليات المعرفة هي:

- ۱) التَّوَابِيَا السَّلِيمَةُ
- ۲) سَمَاعُ صَوْتِ الْوَاعِيِّينَ
- ۳) اسْتِطْعَاقُ الْعَجَمَاءِ
- ۴) الْقِيَامُ فِي جَوَادِ الْمُضْلَلَةِ

ج (۸۳-۸۵) يقول ابن المقفع:

إذا تراكمت عليك الأعمال فلا تلمس الزوج في مدافعتها يوماً بيوم والزوجان منها، فإنه لا راحة لك إلا في إصدارها، وإن الصبر عليها هو الذي يخففها عنك والضجر هو الذي يراكمها عليك! فتعهد من ذلك في نفسك خصلة قد رأيتها تعترى بعض أصحاب العمل، وذلك أن الرجل يكون في أمر من أمره فيه عليه شغل آخر أو يأتيه شاغل من الناس يكره إيتاءه فيذكر ذلك بنفسه تكريراً يفسد ما كان وما ورد عليه حتى لا يحكم واحداً منها. فإذا ورد عليك مثل ذلك ... فاختر أولى الأمرين بشغلك...!

۸۳- ما هي المشكلة التي تناولها النص؟

۱) اختيار أهم العملين عند حدوثهما!

۲) ظاهرة تراكم الأعمال وكيفية إنجازها!

۳) الإحساس بالزوج أو الزوجان في مواجهة الأعمال!

۴) الشعور بالغموض والسماقة عند تخفيف تراكم الأعمال!

۸۴- عن الخطأ:

۱) يتميز أسلوب كتابة ابن المقفع بالاستطراد والإكثار منه!

۲) الأعمال المتراكمة لا تعني الأعمال الكثيرة فإن بينهما خلاف بين!

۳) لكي نتغلب على الأعمال المتراكمة يجب أن نبدأ بإنجاز أهم الأعمال ثم الأهم فالأهم!

۴) في مواجهة تراكم الأعمال إذا أحسينا بالتبَرُّم بها فإن هذا بدل أن يريحا يزعجنا ويراكمها أكثر!

۸۵- عن الخطأ: من نصائح ابن المقفع لمخاطبيه هي

۱) آلا يشعروا بالضيق!

۳) آلا يهربوا من الأعمال!

د (۸۶-۹۰) قد أنسد الفرزدق الشاعر:

بيئاً دعائمه أعزّ و أطْوَل
أبداً إذا غَدَ الفعال الأفضل
و قصى عليك به الكتاب المنزل
سفيان أو غَدَن الفعال و جندل
و الأكرمون إذا يَعْذَ الأول
ورد العشَّي إِلَيْه يخلو المنهل
و تَخالنا جِنَا إذا ما نجهل
ثهلان ذا الْهَضْبَاتِ هل يتحلّل

۱- إن الذي سُمِّك السَّماء بِنَى لَنَا
۲- لا يَحْبِبُ بِفَنَاء بِرِتَك مُثْلُهُمْ
۳- ضربت عليك العنكبوت بنسجها
۴- و إذا بَذَنْت فَرَأَيْتَ يَمْشِي بِهَا
۵- الْأَكْثَرُونَ إِذَا يَعْذَ حَصَاهُم
۶- إن الزحام لغيركم فترقبوا
۷- أحلامنا تزن الجبال رزانة
۸- فادفع بكفتك إن أردت بناعنا

-۸۶- عین الخطأ: بعض مواصفات الحياة المعيشية عند العرب و ظروفهم البيئية هو ...

- ١) الجلوس في ساحة البيوت!
- ٢) كثرة القراء و قلة الأغنياء!
- ٤) قلة موارد المياه مما تؤدي إلى التراحم!

-۸۷- عین الخطأ في ما أستنتج من النص:

١) لم تكن العطالة ممدودة في ثقافة العرب!

٢) لا يبادرون إلى الحرب إلا في الحالات الحرجية!

٣) كان الجن مطروداً عند العرب فيتمثّلون به في المثلّيات!

٤) تأثير الفرد في تمثيلية أمور القبيلة كان أقوى من تأثير الأسرة!

-۸۸- المقصود من «أحلامنا» و «نجهل» في البيت السابع هو:

١) الروايا / نظم ٢) الروى / ننسى ٣) العقول / غضب ٤) الخيالات / لا نعرف

-۸۹- عین الصحيح في مفهوم البيت السادس:

١) الناس يجتمعون لغيركم فلا يحبونكم فلذلك إذا أردتم دخول الموارد والمناهل فادخلوها ليلاً!

٢) غيركم يجتمع على الماء نهاراً و أنتم تتربيتون دخول الموارد العشائية لتفرغوا المياه من المناهل!

٣) قومك ضعاف لأنكم لا تستطيعون المراحمة على الماء فتنتظرون الليل ليخلو مورد الماء من الزحام!

٤) حين تجتمعون على المورد يحدث الزحام فعليكم أن تواظبوا على دخول الموارد ليلاً لكونها خالية من الناس!

-۹۰- عین البيت الذي يعبر عن الموضوع التالي: «لن تستطيع أن تناول من مجدها وإن حاولت كمن يحاول أن يرجز جيلاً عظيماً من مكانه وهذا مستحيل!»

١) البيت الثامن ٢) البيت السابع ٣) البيت الخامس ٤) البيت الرابع

هـ (٩٥-٩٦) قد أنشد أبو تمام الشاعر:

و غداً الثرى في حلية يتكسر
و يد الشتاء جديدة لا تكفر
صحوة يكاد من الغضارة يقطر
لك وجهه و الصحوة غيث مضرر
ثريا وجوه الأرض كيف تصور
حل الربيع فإنما هي منظر
فكأنها عين إليك تحذر
عذراء تبدو تارة و تُخفر

١- رقت حواشي الدهر فهي تمرمر
٢- نزلت مقدمة المصيف حميده
٣- مطر يذوب الصحو منه و بعده
٤- غيثان فالأنواء غيث ظاهر
٥- يا صاحبِي تقصدنا نظري كما
٦- دنيا معاش للوري حتى إذا
٧- من كل زاهرة ترقق بالندى
٨- تبدو و يحجبها الجميم كأنها

٩١- عین الخطأ:

- ١) بعد التقصي والاستقصاء تتمثل الأرض و تصير أشكالاً متنوعة جميلة بدعة!
- ٢) في الربع اللذّة في التمتع بالنظر إلى الزهور التي يصوغها بطن الأرض و يخرجها إلى ظهرها!
- ٣) لم يكن المطر يكفي لاخضاب الأرض و تعمتها بل ينبغي وجود الصحو، فهو لم يكن أقل أهمية من المطر!
- ٤) لقد بدا تأثير المنطق حين اعتبر الغيث غيثن، فهذا يمثل بيئة الشاعر التي ترجح النظرة التعالية!

٩٢- لماذا اعتبر الصحو غيثن مضمراً؟

- ١) لأنّه إنما ينتج الغيث الصحو فهذا نتيجة ذلك!
- ٢) لأنّه هو الذي يخصب الأرض بعد أن روّاها الغيث!
- ٣) لأنّ الغيث في باطنها و ضميره يسبب الانبعاث و الحيوة!
- ٤) لأنّ النّوء يغيث المضطربين و يزيل العطش من قلوب الظالمين!

٩٣- عین الصحيح: قد شبّه الشاعر ...

- ١) الثّرى بالحلبة!
- ٢) الزّهرة الندية بالعين الباكية!
- ٣) الغيث بالصحو
- ٤) الأرض المغضبة بالنبات بأمرأة مستهترة!

٩٤- عین البيت الذي ينقل الشاعر فيه ما كان يشاهده من الألبسة المزركشة الزاهية إلى الظواهر الطبيعية في الربع.

- ١) البيت الأول ٢) البيت الثالث ٣) البيت السادس ٤) البيت السابع

٩٥- ذكر البيت الذي يتكلّم الشاعر فيه عن الموضوع التالي:

- «إن الزهور في الربع أهداب تنزو و عندما يسترها النبت تبدو و كأنّها تخبيء دلّاً و حياء»
- ١) البيت الأول ٢) البيت الرابع ٣) البيت السابع ٤) البيت الثامن

و (٩٦-١٠٠) قد أنسد خليل مطران الشاعر:

فِي جِبَنِي بِرِياحِه الْهُوَجَاء
قَلْبًا كَهْذِي الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ
و يَقْتَهَا كَالسَّقْمِ فِي أَعْصَانِي
كَمَّا كَصْدِرِي سَاعَةِ الإِلْمَاءِ
صَدَعْتُ إِلَى عِينِي مِنْ أَحْشَانِي
يُغْضِي عَلَى الْغَمَرَاتِ وَالْأَقْنَاءِ

١- شاك إلى البحر اضطراب خواطري
٢- ثاو على صخر أصم و ليت لي
٣- ينتابها موج كموج مكارهي
٤- و البحر خفّاق الجوانب ضائق
٥- تفشي البرية كدة و كأنّها
٦- و الأفق معنكر قريح جفنه

۹۶- برأيك لماذا لا يعزى البحر الشاعر ولا يسعفه؟

- ۱) لأنّه تتعكس نفسه على مرآة البحر و هي تخلي عليه الاضطراب!
- ۲) لأنّ الشاعر الرومنسي لا يبحث عن الاستقرار و الطمأنينة فوجوده في الاضطراب!
- ۳) لأنّه لا يستكين و لا يهدأ و لا تصفو ميادنه بل إنّ الرياح تهثّ و الأمواج تفتّ مستمراً!
- ۴) لأنّ الأمواج العاتية و خفقات البحر و النعاسة النفسية لا تسمح بتسرب التسلية و السكينة في قلب الشاعر!

۹۷- عن الصريح:

- ۱) رياح البحر بخلاف رياح الهموم تكسر الصخور العائمة!
- ۲) يدفع الشاعر إلى البحر طلباً منه للعزاء و السلوى و الهدوء!
- ۳) سبب تمني الشاعر لاستحالة قلبه إلى الصخرة هو مقاومتها و قوتها!
- ۴) الغرض من الرياح في هذه الأبيات هي رياح الشؤم و الهم في يم النفس!

۹۸- أذكر البيت الذي يعبر عن الموضوع التالي:

«إنّ الحزن و القوط مطبقان على ما لا ذٰ به الشاعر حيث إنّ صدر البحر يضيق كصدر الشاعر»

- ۱) الثاني
- ۲) الثالث
- ۳) الرابع
- ۴) الخامس

۹۹- عن الخطأ:

- ۱) يطلب الشاعر النجا و الخلاص من شعوره الطاغي!
- ۲) قبيل المغرب الأشجار عند الشاعر تثار أكثر من أي وقت مضى!
- ۳) أدرك الشاعر أنّ الاضطراب يتحقق في مظاهر الكون و عناصره مثله!
- ۴) جمع الشاعر في هذه الأبيات التجارب الثلاث: الحب و المرض و الغربة!

۱۰۰- عن الخطأ في ترجمة البيت السادس و مفهومه:

- ۱) الوجود كأنه مسهد غشيت أحفانه القروح بحيث يكاد يعجز عن إغماضها!
- ۲) إنّ العالم قد بدا مقرّح الجفن مطموس المعالم تعرّوه الأقداء و يغشاهم القنام!
- ۳) عين الأفق الرمداء هي عين الحياة ذاتها أو بالأحرى هي عين الشاعر المقرحة بالأرق و الألم و أقداء الشر و الهوان!
- ۴) إنّ الطبيعة المستعصية و العواصف الهرجاء تناسب اعتكارات الأفق حيث يثير الشجون و هذا يسبب
الآن يقدر صفو الأفق!

پیاچدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲۳

163E

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌مت مرکز)

آخرین اخبار و اطلاعات آزمون دکتری در وبسایت پیاچدی تست

پیاچدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲۴

163E

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌مت مرکز)

آخرین اخبار و اطلاعات آزمون دکتری در وبسایت پیاچدی تست